

أم ورقة صحابه؛ واقعت يا خيال

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۷/۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۸

معصومه ریعان^۱

چکیده

أم ورقة یکی از شخصیت‌های مورد استناد در احکام فقهی جواز امامت زنان است که بسیار مورد توجه منابع اهل سنت بوده و در تأیید روایات نماز جماعت امهات المؤمنین، عایشه و أم سلمه به عنوان شاهد مورد استناد قرار می‌گیرد. در این روایت، پیامبر ﷺ به أم ورقة لقب شهیده داده و به او اجازه می‌دهد تا برای اهل خانه خود امامت کند. وی همچنین به عنوان جامع قرآن شناخته شده است. راوی این روایت فقط ولید بن جُمیع است که آن را با واسطه‌های مجهول نقل کرده و در آن داستان پردازی درباره زندگی و مرگ این زن صحابی را به کمال رسانده است. در متن این روایت، اضطراب و مخالفت با گزارش‌های تاریخی و در سند آن، راویان ناشناخته و ضعیف، روایت را از یک سند قطعی روایی تنزل داده و احتمال جعل آن را بسیار افزوده است. در این مقاله بر اساس ترسیم بصری شبکه اسناد و تحلیل متن و اسناد روایت، تاریخ ظهور این روایت و شخصیت خیالی آن را در ربع سوم قرن دوم هجری که فقها به مستندی برای حکم شرعی جواز امامت زنان نیازمند بوده‌اند، پیش‌بینی نموده‌ایم. کلیدواژه‌ها: أم ورقة، ولید بن جُمیع، شبکه اسناد، تحلیل متن و اسناد.

مقدمه

در منابع روایی اهل سنت، در احادیث مربوط به نماز زنان، به گستردگی، از امامت «عایشه»^۲ و «أم سلمه»^۳ در جماعات نام برده‌اند که نمازهای واجب و مستحب را در ماه

۱. استادیار، عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی سینای همدان (masoumehrayaan@yahoo.com).

۲. المصنف (عبدالرزاق)، ج ۳، ص ۱۴۱؛ المصنف (ابن ابی شیبه)، ج ۱، ص ۵۳۶؛ العلیل و معرفة الرجال، ج ۲، ص ۵۵۲؛

رمضان برپا می‌نموده‌اند. علاوه بر این دو، از زنان دیگری همچون سعده دختر قمامه - که پیامبر ﷺ را درک کرده است^۴ - و نیز کنیز عبدالله بن عمر^۵ و کنیز علی بن حسین،^۶ به عنوان پیش نماز زنان نام برده شده است. برداشت فقهی از این روایات گرچه بیشتر جواز امامت زنان در نماز و جایگاه ایستادن وی است، اما ظاهراً در جواز این حکم کافی نبوده و لذا برخی از فقیهان به روایت دیگری متمسک شده‌اند تا این حکم فقهی را بسط نمایند. این احکام درباره اذان، اقامه و نمازگزاردن است. این روایت، گزارش می‌کند «أم ورقه» یکی از زنان صحابی است که به صراحت، اعلام می‌کند که پیامبر ﷺ به او فرموده است نماز جماعت را برای اهل خانه اش برپا دارد.^۷ او - که شهرت به شهیده یافته و از جامعان قرآن شمرده شده است -^۸ از مصادیق قطعی امامت زنان در جماعات است. کتب رجالی وی را دختر عبدالله بن حارث بن عویمرانصاری دانسته‌اند که گاه با نام دختر نوفل نیز شناخته می‌شود.^۹ در این مقاله با استفاده توأمان از روش تاریخ‌گذاری^{۱۰} اسناد و متن این روایت را مورد تحلیل سندی و متنی قرار می‌دهیم^{۱۱} و تاریخ پیدایش این روایت را پیش‌بینی می‌نماییم.^{۱۲}

- السنن (دارقطنی)، ج ۱، ۳۸۸؛ المستدرک، ج ۱، ص ۲۰۳؛ المحلی، ج ۴، ص ۲۱۹؛ السنن الکبری (بیهقی)، ج ۱، ص ۴۴۶ و ج ۳، ص ۱۳۱.
۳. المصنف (عبدالرزاق)، ج ۳، ص ۱۴۱؛ المصنف (ابن ابی شیبه)، ج ۱، ص ۵۳۶؛ العلیل و معرفة الرجال، ج ۲، ص ۵۵۲؛ السنن (دارقطنی)، ج ۱، ص ۳۸۸؛ المستدرک، ج ۱، ص ۲۰۳؛ المحلی، ج ۴، ص ۲۱۹؛ السنن الکبری (بیهقی)، ج ۳، ص ۱۳۱ و ج ۱، ص ۴۴۶.
۴. الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۶.
۵. المحلی، ج ۴، ص ۲۱۹.
۶. معرفة السنن والآثار، ج ۲، ص ۵۰۹.
۷. سنن ابی داود، ج ۱، ص ۱۴۲؛ صحیح ابن خزیمه، ج ۳، ص ۸۹؛ السنن الکبری (بیهقی)، ج ۳، ص ۱۳۱.
۸. مسند أحمد، ج ۳، ص ۴۰۵؛ مسند ابن راهویه، ج ۵، ص ۲۳۵؛ السنن الکبری (بیهقی)، ج ۳، ص ۳۰-۱۳۰.
۹. الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۹۶۵.
۱۰. مستشرقان تعیین تقریبی زمان، مکان، پدید آورنده و سیر تغییرات یک روایت در بستر تاریخ را تاریخ‌گذاری (Dating) می‌گویند (درآمدی بر مطالعات حدیثی در دوران معاصر، ص ۱۰۴). استفاده از این روش در برخی مقالات همین فصلنامه انجام یافته و در سال‌های اخیر در حال رشد و توسعه بوده است. (رک: علوم حدیث، شماره ۷۴؛ ۷۷؛ ۸۱؛ ۸۲ و نیز در فصلنامه حدیث پژوهی، سال هفتم، ش ۴، ۱۳۹۴ و ...).
۱۱. نویسنده در تحلیل این روایت کوشیده است از روش مستشرقان در پیدایش تاریخ روایت استفاده نماید؛ در عین حال از سنت حدیث پژوهی محققان مسلمان نیز بهره برده و با تحلیلی توأمان به شناخت این روایت می‌پردازد. از این رو، در بررسی سندی این روایت توجه به مباحث رجالی نیز توأماً با روش تحلیل متن مورد استفاده در بازبایی منشأ روایت قرار گرفته است.
۱۲. این مقاله در پی تحلیل حکم فقهی امامت زنان نبوده و صرفاً در خصوص روایت مورد استناد این حکم نگارش گردیده است.

پيشينه روايت ام وورقه در منابع روايي

روايت ام وورقه در نماز جماعت زنان آمده است و حکم فقهی جواز امامت زنان را قطعی کرده است. دیدگاه‌های فقها در امامت زنان یکسان نیست. مالکیه در عدم جواز امامت زنان،^{۱۳} حنفیه در کراهت در نماز واجب و جواز در نماز نافله،^{۱۴} و شیعه،^{۱۵} شافعیه،^{۱۶} حنابله،^{۱۷} اوزاعیه،^{۱۸} ظاهریه^{۱۹} و زیدیه،^{۲۰} در جواز امامت زنان هم نظر هستند. روایات امامت زنان در شیعه از امام صادق علیه السلام است^{۲۱} و در روایات اهل سنت، بیشتر به امامت نماز عایشه و ام سلمه به عنوان مصداق این حکم استناد گردیده، اما این مصادیق کافی نبوده و نیازمند مدارک بیشتری برای احکام فرعی تر امامت زنان بوده‌اند و لذا روایتی با عنوان امامت نماز ام وورقه - که یک زن صحابی بوده است - مورد استناد ایشان قرار گرفته است.

متن روايت أم وورقة

احمد بن حنبل - که از اولین جامعان روايت أم وورقه است - در مسند خود، دو روايت را با یک سند ذکر کرده است که در متن اول شرح حال کلی أم وورقه و در متن دوم به جامع قرآن بودن أم وورقه و امامت نماز وی پرداخته است و از آنجا که این متن کامل‌ترین گزارش از أم وورقه در کتب روايي است، هر دو روايت را از مسند احمد بن حنبل ذکر می‌کنیم.

روايت اول

پیامبر صلی الله علیه و آله أم وورقه دختر عبدالله بن حرث را در هر جمعه زیارت می‌کرد. او در روز بدر گفت: ای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، آیا به من اجازه می‌دهی همراه با توبه جنگ بیایم و

۱۳. «لاتؤم المرأة» و «لا تؤم المرأة احداً فی فرض ولا نفل». المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۸۵؛ الشمر الدانی فی تقریب المعانی، ص ۱۸۴؛ الجامع لاحکام القرآن (تفسیر القرطبی)، ج ۱، ص ۳۵۶.

۱۴. «تؤمهن فی النفل دون الفريضة». تکملة البحر الرائق، ج ۱، ص ۶۱۵؛ بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج ۱، ص ۱۵۷؛ الدانیة فی المسائل الثمانية، ج ۲، ص ۲۲.

۱۵. «النهاية فی مجرد الفقه والفتاوى»، ص ۱۱۲؛ «النهاية ونكتها»، ج ۱، ص ۳۴۴؛ «المهذب»، ج ۱، ص ۸۰؛ «روض الجنان فی شرح ارشاد الازهان (ط. ق.)»، ص ۳۶۷؛ «مجمع الفائدة»، ج ۳، ص ۲۵۰ و ۲۶۴.

۱۶. «كتاب الأم»، ج ۱، ص ۱۹۹.

۱۷. «الشرح الكبير»، ج ۲، ص ۵۳؛ «كشاف القناع»، ج ۱، ص ۵۸۳.

۱۸. «المحلى»، ج ۴، ص ۲۱۹.

۱۹. همان.

۲۰. «مسند الامام زيد»، ص ۱۲۶؛ «الاحکام فی الحلال والحرام»، ج ۱، ص ۱۰۴؛ «شرح الأوزار»، ج ۱، ص ۲۸۳.

۲۱. «النهاية فی مجرد الفقه والفتاوى»، ص ۱۱۲؛ «تذكرة الفقهاء»، ج ۴، ص ۲۳۷؛ «ذکری الشیعة فی احکام الشریعة»، ج ۴، ص ۳۷۵.

مریضان و مجروحان را درمان کنم، شاید خداوند به من شهادت ارزانی فرماید؟ پیامبر ﷺ به او فرمود: در خانه بمان، خداوند عز و جل شهادت را به تو هدیه می دهد. ام ورقه کنیز و غلامی داشت که مقرر نموده بود بعد از مرگ وی آزاد گردند؛ اما چون عمرش طولانی شد، آن دو او را در پارچه ای پیچیدند، خفه کردند و گریختند. این سخن به عمر رسید، او در میان مردم به پاخواست و گفت: رسول خدا ﷺ ام ورقه را زیارت می کرد و می گفت: به زیارت شهیده برویم و حال، فلان کنیز و فلان غلام او را کشته و گریخته اند. هیچ کس به این دو پناه ندهد و هر کس آنان را یافت، نزد من آورد. پس از دستگیری هر دو را نزد وی بردند و عمر آن دو را به صلیب کشید و ایشان از اولین صلیب شدگان در اسلام بودند.^{۲۲}

روایت دوم

ام ورقه قرآن را جمع آوری نمود و پیامبر ﷺ به او دستور داده بود که برای اهل خانه اش امامت کند. او مؤذنی داشت و برای اهل خانه اش امامت نماز می کرد.^{۲۳}

کلیه جامعان حدیث ام ورقه در این روایت به امامت نماز او پرداخته اند، ولی برخی علاوه بر آن، به شرح حال او - که در روایت اول احمد بیان شد - نیز اشاره کرده اند. در این میان، فقط ابوبکر بن ابی شیبه^{۲۴} و دارقطنی^{۲۵} با همین اسناد به شرح حال او پرداخته، ولی امامت نماز وی را نقل نکرده اند.

۲۲. مسند احمد، ج ۶، ص ۴۰۵.

۲۳. همان.

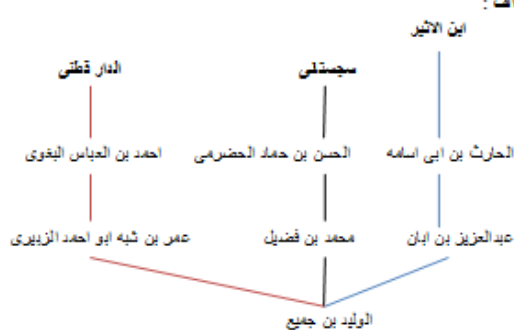
۲۴. المصنف (عبدالرزاق)، ج ۷، ص ۷۲۸ و ج ۸، ص ۳۳۹.

۲۵. السنن، ج ۳، ص ۹۰.

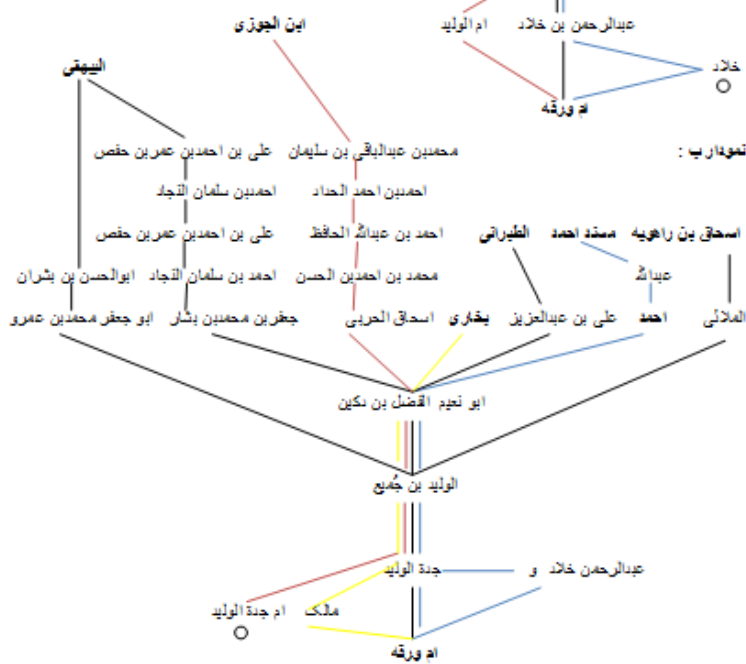
بررسی سند روایت أم ورقه بر مبنای ترسیم شبکه اسناد

نمودارهای روایت نماز امر ورقه

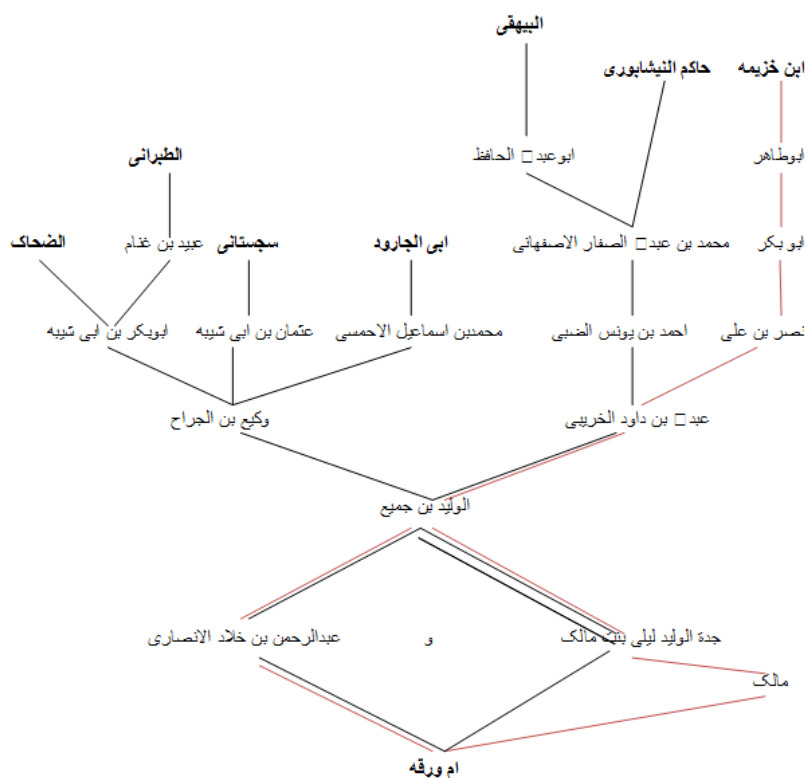
نمودار الف :



نمودار ب :



نمودار ج:



تحلیل شبکه اسناد روایت امامت نماز ام ورقه

این روایت تا ولید بن جمیع، دارای سندی منفرد است. ولید بن جمیع حلقه مشترک اصلی^{۲۶} و ابونعیم حلقه مشترک فرعی^{۲۷} در اسناد احمد، طبرانی و بیهقی، و وکیع بن جراح

۲۶. حلقه مشترک (common link) راوی ای است که حدیثی را که از یک مرجع شنیده و برای تعدادی از شاگردان نقل می‌کند و بیشتر آنان نیز به نوبه خود برای دو یا چند شاگرد خویش روایت می‌کنند. به عبارت دیگر، حلقه مشترک، کهن‌ترین راوی شبکه است که حدیث را برای بیش از یک شاگرد روایت می‌کند. یا به تعبیری دیگر، نخستین جا از شبکه اسناد است که همچون چتر باز شده است. وجود راویان مشترک ما را قادر می‌سازد تا برای روایات و آرای مندرج در روایت، تاریخی قطعی تعیین کنیم (تاریخ‌گذاری حدیث روش‌ها و نمونه‌ها، ص ۴۳).

۲۷. وقتی شاگردان ادعایی حلقه مشترک اصلی، خود بیش از یک شاگرد داشته باشند، آن را حلقه مشترک فرعی (partial common link) می‌گویند. به عبارت دیگر، راویانی که از حلقه مشترک یا هر مجموعه دیگری از راویان از یک نسل پس

حلقه مشترک فرعی روایت ابی داود سجستانی و ابی الجارود است. این روایت به سه شکل در کتب روایی آمده است که در سه نمودار ترسیم گردیده است:

نمودار «الف»

سند ابی داود (م ۲۷۵ق)،^{۲۸} مورد توجه راویان بیشتری قرار دارد. سند ابن اثیر (م ۶۳۰ق)^{۲۹} مرفوعاً گرچه از ولید بن جمیع است، ولی قبل از وی، از عبدالرحمن بن خلاد، از پدرش، یعنی خلاد نقل شده است که آن نیز به دو شکل متفاوت آمده است. در یک مضمون خلاد خود گزارش گر روایت آم ورقه است و در مضمون دیگر، خلاد از آم ورقه این حکایت را نقل می‌کند که قطعاً این سند دچار خلط شده است.

از طرف چپ نمودار الف، دارقطنی (م ۳۸۵ق) روایت منفردی دارد که به وضوح با سایر روایات قبل از حلقه مشترک اصلی متفاوت است.^{۳۰} در این روایت، ولید از مادرش از آم ورقه روایت می‌کند، در حالی که در هیچ یک از روایات سخنی از مادر ولید نرسیده و همگی از مادر بزرگ او نام برده‌اند. بنابراین طریق دارقطنی نیز دچار خلط شده است. او در این روایت به اجازه پیامبر ﷺ در مورد امامت نماز آم ورقه به صراحت اشاره کرده است.

نمودار «ب»

در این نمودار - که طریق گسترده‌تری از حلقه مشترک اصلی ولید پدید آمده است - ولید بن عبدالله بن جمیع از مادر بزرگش این روایت را نقل می‌کند و چنان‌که مشاهده می‌شود، حلقه مشترک فرعی آن ابونعیم با گستردگی بیشتری روایت را برای نسل جوان بعد از خود روایت کرده است. در این نمودار سند احمد (م ۲۴۱ق)،^{۳۱} طبرانی (م ۳۶۰ق)،^{۳۲} و بیهقی (م ۴۵۸ق) با دو طریق،^{۳۳} از اسناد بارز نمودارند. احمد روایت را از حلقه مشترک ولید با دو طریق عبدالرحمن بن خلاد و مادر بزرگ ولید نقل می‌کند، ولی بقیه از عبدالرحمن بن خلاد

از حلقه مشترک، حدیث شنیده و آن را برای دو یا چند نفر از شاگردان خود نقل می‌کنند، «حلقه مشترک فرعی» خوانده می‌شوند (حدیث اسلامی خاستگاه‌ها و سیر تطور، ص ۳۱۶).

۲۸. سنن ابی داود، ج ۱، ص ۱۴۲.

۲۹. أسد الغابة فی معرفة الصحابة، ج ۲، ص ۱۱۹.

۳۰. السنن (دارقطنی)، ج ۱، ص ۲۸۴.

۳۱. مسند أحمد، ج ۶، ص ۴۰۵.

۳۲. المعجم الكبير، ج ۲۵، ص ۱۳۵.

۳۳. السنن الكبرى (بيهقي)، ج ۳، ص ۱۳۰؛ معرفة السنن والآثار، ج ۲، ص ۵۰۹.

نامی نبرده‌اند.

بخاری (م ۲۵۶ق) روایت را در *التاریخ الصغیر*^{۳۴} آورده است و این بدان جهت است که طبق موازین خود آن را صحیح نمی‌دانسته تا در کتاب *الصحیح* خود وارد کند. او به جهت بررسی احوال ابونعیم به این روایت استناد کرده است.

ابن جوزی (م ۵۹۷ق) نیز از طریق حلقه مشترک فرعی ابونعیم ذیل حوادث دوران خلافت عمر بن خطاب آن را در مبحث تاریخی کتاب *المنتظم فی تاریخ الامم والملوک*^{۳۵} گنجانیده است. اما در سند ابن جوزی زیادتى وجود دارد که در هیچ یک از اسناد وجود ندارد. او می‌گوید: «حدَّثنا الولید بن جمیع قال حدَّثتني جدّتی عن أمّها أم ورقة...». با این بیان أم ورقه از اجداد مادری أم ولید فرض شده است؛ در حالی که این ادعا در کتب رجالی نیامده است و اگر اشتباه چاپی نباشد، از اشتباهات ابن جوزی محسوب می‌گردد.

نمودار «ج»

در این نمودار، حلقه مشترک اصلی ولید بن عبدالله بن جمیع روایت را از دو طریق عبدالرحمن بن خالد و مادر بزرگ خودش، توأمأ نقل می‌کند و همه منابع، این دوراوی را با هم ذکر نموده‌اند؛ علاوه بر آن که بیشتر جامعان حدیث به نام مادر بزرگ او با اسم لیلی بنت مالک اشاره کرده‌اند. در این نمودار حلقه‌های مشترک فرعی، وکیع بن جراح در سمت چپ نمودار و عبدالله بن داود خریبی در سمت راست نمودار است.

در این نمودار، ابی داود (م ۲۷۵ق) از عثمان بن ابی شیبه،^{۳۶} و ابی الجارود (م ۳۰۸ق) از محمد بن اسماعیل الأحمسی،^{۳۷} هر دو از حلقه مشترک وکیع روایت امامت أم ورقه را نقل کرده‌اند، ولی ضحاک (م ۲۸۷ق)^{۳۸} و طبرانی (م ۳۶۰ق)،^{۳۹} از طریق ابی بکر بن ابی شیبه از وکیع روایت کرده‌اند؛ در حالی که ابوبکر بن ابی شیبه (م ۲۳۵) با وجود گزارش مفصل خود از شرح حال أم ورقه در درخواست از پیامبر ﷺ مبنی بر شرکت در جنگ و طلب شهادت و نیز حادثه کشته شدن او توسط غلام و کنیزش، سخنی از امامت نماز أم ورقه گزارش نکرده

۳۴. *التاریخ الصغیر*، ج ۱، ص ۷۰.

۳۵. ج ۴، ص ۳۰۵.

۳۶. *سنن ابی داود*، ج ۱، ص ۱۴۲.

۳۷. *المنتقى من السنن المسندة عن رسول الله ﷺ*، ص ۹۱.

۳۸. *الأحاد والمثانی*، ج ۶، ص ۱۴۰.

۳۹. *المعجم الكبير*، ج ۲۵، ص ۱۳۵.

است.^{۴۰} گرچه راوی او در همان روایت و کعب از ولید است، اما ضحاک (م ۲۸۷ ق) و طبرانی (م ۳۶۰ ق) در کنار روایت ابوبکر بن ابی شیبه، به طور ناهماهنگی از امامت نماز او یاد کرده‌اند. ضحاک در این مورد می‌نویسد:

از پیامبر اجازه گرفت در خانه اش مسجدی بسازد و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به او اجازه فرمود که جایگاهی بسازد و در آن نماز گزارد.^{۴۱}

در حالی که طبرانی می‌نویسد:

پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به او امر فرمود برای اهل خانه اش امامت کند و او مؤذنی داشت و برای اهالی خانه خود امامت می‌کرد.^{۴۲}

اما در طرف راست نمودار ابن خزیمه (م ۳۱۱ ق)،^{۴۳} حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ ق)^{۴۴} و بیهقی (م ۴۵۸ ق) از طریق راویان حاکم،^{۴۵} روایت امامت ام ورقه را از حلقه مشترک فرعی عبدالله بن داود خریبی آورده‌اند.

حاکم بعد از ذکر این روایت، احتجاج مسلم به ولید بن جمیع را سنتی غریب دانسته و روایت را در این باب مفرد و بدون شاهد می‌داند.^{۴۶} سند ابن خزیمه نیز دارای زیادت است که در هیچ یک از اسناد این زیادت وجود ندارد. او بعد از حلقه مشترک ولید می‌گوید: «عن الولید بن جمیع، عن لیلی بنت مالک، عن أبيها وعن عبدالرحمن بن خلاد، عن أم ورقة ...». بنابراین مالک - که احیاناً پدر لیلی است - نیز در این سند اضافه شده است که احتمالاً از اشتباهات ابن خزیمه بوده است.

این روایت در کنز العمال از دو حلقه مشترک عبدالرحمن بن خلاد و ابونعیم مورد پذیرش قرار گرفته است.^{۴۷} بیهقی این روایت را از سه طریق و پس از وی ابی الجارود و طبرانی هر یک با دو طریق بیشترین نقل را نموده‌اند و بقیه دارای طریق منفرد هستند. البانی، حدیث شناس

۴۰. المصنف (ابن ابی شیبه)، ج ۷، ص ۷۲۸ و ج ۸، ص ۳۳۹. (ما در این بررسی دو روایت ابوبکر بن ابی شیبه و دارقطنی را که در خصوص امامت نماز او روایتی نکرده‌اند، از نمودار نهایی حذف کرده‌ایم).

۴۱. «استأذنت التبی فی أن تبنى مسجداً فی دارها فأذن لها أن تبنى موضعاً تصلى فيه».

۴۲. «و كان رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أمرها أن تؤم أهل دارها و كان لها مؤذن و كانت تؤم أهل دارها».

۴۳. صحیح ابن خزیمه، ج ۳، ص ۸۹.

۴۴. المستدرک، ج ۱، ص ۲۰۳.

۴۵. السنن الکبری (بیهقی)، ج ۱، ص ۴۰۶ و ج ۳، ص ۱۳۰.

۴۶. المستدرک، ج ۱، ص ۲۰۳.

۴۷. کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، ج ۸، ص ۳۰۶.

معاصر اهل سنت، از این مجموعه دوازده‌گانه روایت أم‌ورقه را فقط از این اسناد پذیرفته است: احمد، ابی‌داود، دارقطنی، ابی‌الجارود، حاکم، ابوالقاسم الحامض در المنتقی من حدیث و ابوعلی الصواف.^{۴۸} البانی خود با بررسی‌های اسناد روایت، این حدیث را حسن دانسته است.^{۴۹}

تحلیل متن و اسناد روایت أم‌ورقه

در این روایت، ولید بن عبدالله بن جمیع به نقل از دونفر، یعنی عبدالرحمن بن خلاد و مادر بزرگ خود - که در برخی روایات لیلی بنت مالک نامیده شده است - توأماً روایت أم‌ورقه را نقل می‌کنند. این روایت در طبقه اول راویان در جوامع یاد شده دارای تشتت و اضطراب بوده و بدین‌گونه آمده است.

- ولید به نقل از عبدالرحمن بن خلاد و مادر بزرگش از أم‌ورقه
 - ولید به نقل از عبدالرحمن بن خلاد از پدرش خلاد از أم‌ورقه
 - ولید به نقل از مادر بزرگش از مادر مادر بزرگش از أم‌ورقه
 - ولید به نقل از مادر بزرگش به نام لیلی بنت مالک از أم‌ورقه
 - ولید به نقل از مادر بزرگش از مادرش أم‌ورقه
 - ولید به نقل از مادر بزرگش از پدر مادر بزرگش مالک از أم‌ورقه
- به برخی از این تشتت‌ها در کتب روائی و رجالی نیز توجه شده است.^{۵۰}

در این روایت گرچه نحوه ورود ولید - که حلقه مشترک اصلی روایت است - بیانی گزارش‌گونه و قصه‌پردازانه دارد، اما خود او می‌گوید روایتش را از خود أم‌ورقه نقل می‌کند. به نظر می‌رسد این روایت درباره أم‌ورقه است و نه نقل مستقیم از او و مادر بزرگ ولید و عبدالرحمان بن خلاد، ناقلان اصلی آن هستند؛ زیرا از آغاز تا انجام این روایت با توجه به محتوای مفصل آن و وجود ضمایر غایب در متن روایت، قطعاً از زبان خود أم‌ورقه نیست.

بخاری در سند خود، ذیل شرح حال ابونعیم، این روایت را از مالک از أم‌ورقه آورده است که توسط لیلی بنت مالک به ولید بن جمیع رسیده است.^{۵۱} ابن ابی حاتم رازی (م ۳۲۷ ق)

۴۸. ارواء الغلیل، ج ۲، ص ۲۵۵.

۴۹. همان. (لازم به ذکر است که دو مورد اخیر البانی، در بررسی‌های اینجانب یافت نشد).

۵۰. تهذیب التهذیب، ج ۱۲، ص ۲۴۱؛ تهذیب الکمال، ج ۳۵، ص ۳۹۰؛ خلاصة التهذیب تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، ص ۶۵ در پاورقی.

۵۱. التاريخ الكبير، ج ۷، ص ۳۰۹.

روایات لیلی بنت مالک را از پدرش مالک می‌داند و می‌گوید مالک از ام‌ورقه روایت می‌کرده است.^{۵۲} مزی (م ۷۴۲ق) رجالی قرن هشتم در این مورد آورده است که ولید خود می‌گوید مادر بزرگم لیلی بنت مالک این سخنان را در مورد ام‌ورقه به یاد می‌آورد.^{۵۳}

در اسناد این روایت، مالک شناسایی شده و ابن حبان (م ۳۵۴ق) او را توثیق کرده است،^{۵۴} اما لیلی بنت مالک را کسی شناسایی نکرده و مجهول است.^{۵۵}

در مورد عبدالرحمن بن خلاد نیز گفته شده است که از صحابه بوده و تنها از ام‌ورقه روایت کرده است.^{۵۶} اما ذهبی (م ۷۴۸ق) در این مورد هم تشکیک کرده و می‌گوید ممکن است از پسر ام‌ورقه از ام‌ورقه روایت کرده باشد^{۵۷} و ادامه می‌دهد صحیح‌تر آن است که گفته شود عبدالرحمن از پدرش خلاد از ام‌ورقه نقل کرده است.^{۵۸}

در صحابی بودن یا تابعی بودن عبدالرحمن نیز اختلاف است. ابن حجر (م ۸۵۲ق) می‌گوید بخاری او را صحابی و دیگران او را تابعی می‌دانند.^{۵۹} و احتمالاً بین او و ام‌ورقه واسطه‌ای بوده است.^{۶۰} در عین حال، ابن حجر او را مجهول الحال می‌داند.^{۶۱} و اساساً ابن حجر این روایت را به دلیل مجهول بودن عبدالرحمن بن خلاد، روایتی قوی نمی‌داند^{۶۲} و روایت او را موقوف دانسته است.^{۶۳}

عبدالرحمن بن خلاد در سلسله اسناد روایت وصیت ثقلین حضور دارد و به همین دلیل مورد توجه منابع شیعی قرار گرفته است؛^{۶۴} اما در عین حال، در کتب رجالی شیعه نیز ناشناخته است.^{۶۵}

۵۲. الجرح والتعديل، ج ۸، ص ۲۱۸.

۵۳. تهذیب الکمال، ج ۳۵، ص ۳۹۰.

۵۴. الثقات، ج ۵، ص ۳۸۹.

۵۵. ارواء الغلیل، ج ۲، ص ۲۵۶.

۵۶. الکاشف فی معرفة من له رواية فی کتب السنة، ج ۲، ص ۵۲۸؛ تهذیب الکمال، ج ۱۷، ص ۸۲.

۵۷. همان.

۵۸. تهذیب التهذیب، ج ۱۲، ص ۴۳۰.

۵۹. الاصابة فی تمییز الصحابة، ج ۵، ص ۱۷۴.

۶۰. همان، ج ۸، ص ۴۸۹.

۶۱. تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۵۶۸؛ تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۱۵۳.

۶۲. تلخیص الحبر، ج ۴، ص ۲۸۹.

۶۳. الاصابة، ج ۲، ص ۲۸۷.

۶۴. موسوعة شهادة المعصومین، ص ۶۹.

۶۵. مستدرکات علم رجال الحديث، ج ۴، ص ۳۹۵.

البانی می‌گوید: «عبدالرحمن بن خلاد مجهول الحال است؛ گرچه طبق قاعده ابن حبان از ثقات شمرده شده، ولی روایت او به دلیل وجود لیلی بنت مالک تقویت می‌شود». اما البانی خود لیلی را نیز مجهول دانسته است.^{۶۷}

ابن حبان، مالک پدر لیلی را نیز در زمره ثقات خود آورده است؛^{۶۸} اما ابن حجر می‌گوید لیلی را نیز نمی‌شناسد.^{۶۹} وزیلعی (م ۷۶۲ق) در خاتمه کلام آنها از قول ابن القطان، هم ولید بن جمیع و هم عبدالرحمن بن خلاد را مجهول شمرده است.^{۷۰}

در معرفی خود ام‌ورقه نیز در کتب رجالی، جز استناد به این روایت هیچ گزارشی نیامده است.^{۷۱} نزد شیعه نیز جز با این حدیث شناخته شده نیست.^{۷۲} برخی هم نسب او را نامعلوم می‌دانند.^{۷۳} اما حلقه مشترک سند روایت ام‌ورقه، ولید بن جمیع برخلاف قول زیلعی شناخته شده است. ابن حجر می‌گوید: «نام کامل او الولید بن عبدالله بن جمیع الزهیری المکی الکوفی است که گاه به جدش منسوب می‌شود».^{۷۴} سلیمان بن اشعث سجستانی او را با عبارت «لیس به بأس» یاد کرده است.^{۷۵}

ابن معین،^{۷۶} عجللی، ابن حبان و ابن سعد او را ثقة دانسته و ابوحاتم نیز او را صالح الحدیث می‌داند.^{۷۷} احمد و ابوزرعه نیز در مورد او عبارت «لیس به بأس» را به کار برده‌اند؛ اما یحیی بن سعید کلاً از او روایت نمی‌کرده و عقیلی روایتش را مضطرب دانسته و حاکم می‌گوید کاش مسلم از او روایت نمی‌کرد.^{۷۸} در ادامه، ابن حجر به نقل از ابن حبان آورده است که ابن حبان او را جرح کرده و احتجاج به روایت او را باطل می‌داند.^{۷۹}

۶۶. ارواء الغلیل، ج ۲، ص ۲۵۵.

۶۷. همان، ج ۲، ص ۲۵۶.

۶۸. الثقات، ج ۵، ص ۳۸۹.

۶۹. تقریب تقریب، ج ۲، ص ۶۸۲.

۷۰. نصب الرایة، ج ۲، ص ۳۸.

۷۱. الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۴۵۷؛ اسد الغابه، ج ۵، ص ۴۸۹؛ تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۶۷۴؛ المنتظم، ج ۴، ص ۳۰۵.

۷۲. قاموس الرجال، ج ۱۲، ص ۲۲۲؛ مستدرکات علم رجال الحدیث، ج ۸، ص ۵۶۰.

۷۳. الطبقات القراء، ص ۶۴۱.

۷۴. تهذیب التهذیب، ج ۱۱، ص ۱۲۲.

۷۵. سؤالات الآجری لابی داود، ج ۱، ص ۱۵۵.

۷۶. تاریخ ابن معین الدارمی، ص ۲۲۲.

۷۷. تهذیب التهذیب، ج ۱۱، ص ۱۲۲.

۷۸. همان.

۷۹. همان.

سخن ابن حجر صحیح است؛ زیرا ابن حبان در کتاب *المجروحین* خود، در مورد او می‌نویسد که او شیخی از اهالی کوفه است که از عبدالرحمن بن خلاد و کوفیین روایت می‌کرده است و ادامه می‌دهد: «کان ممن ینفرد عن الاثبات بما لایشبه حدیث الثقات فلما فحش ذلک منه بطل الاحتجاج به».^{۸۰} از وی در کتب شیعه نیز فقط نام برده شده است.^{۸۱} هیچ یک از کتب رجالی از سال مرگ او ذکری نکرده‌اند، ولی از راویان وی، وکیع بن جراح متوفای ۱۹۸^{۸۲} و عبدالله بن داود خربیی متوفای ۲۱۳^{۸۳} می‌توان دریافت که وی متعلق به اواسط قرن دوم است.

حلقه مشترک این روایت قطعاً ولید بن جمیع است و قرار گرفتن ام‌ورقه در جایگاه حلقه مشترک پنهان کردن چهره ولید از این جایگاه است و لذا ام‌ورقه یک حلقه مشترک برساخته^{۸۴} توسط خود ولید است. بنابراین روایت ام‌ورقه نه فقط در امامت او، بلکه در بقیه شرح حال وی، روایتی متعلق به اواسط قرن دوم است که ولید بن جمیع آن را از افراد ناشناخته‌ای چون عبدالرحمن بن خلاد و مادر بزرگ خود نقل کرده است و به نظر می‌رسد او توانسته با یک شخصیت خیالی به نام ام‌ورقه در اسناد خود روایتی برساخته و برای او داستانی نقل کند و به عنوان زن صحابی صاحب نامی که مورد عنایت پیامبر ﷺ بوده و به شهادت نیز نایل آمده و برای اهل خانه خود امامت می‌کرده است، به جامعه قرن دومی ارائه نماید. بنابراین احتمالاً این روایت در اواسط یا ربع سوم قرن دوم ظهور یافته و به عنوان مصداق جواز امامت زنان، به کار رفته است.

بررسی متون روایات نماز عایشه، ام‌سلمه و ام‌ورقه

در مجموعه روایات امامت نماز جماعت زنان یک اصل کلی فقهی که جواز امامت آنان است مورد قبول کلیه این گزارش‌ها است. آنچه به عنوان مسأله مورد مناقشه این روایات

۸۰. *المجروحین من المحدثین والضعفاء والمتروکین*، ج ۳، ص ۷۸.

۸۱. *احادیث فک فی مصادر الفریقین*، ص ۸۰.

۸۲. *تهذیب الکمال*، ج ۳۰، ص ۴۸۴.

۸۳. همان، ج ۱۴، ص ۴۶۷.

۸۴. حلقه مشترک برساخته در این مقاله به راوی گفته می‌شود که در شبکه اسناد در جایگاه حلقه مشترک است، ولی در تحلیل متن و اسناد روایت، مشخص می‌شود راویان طبقه بالاتر برای اعتبار بخشی به روایت خود او را به عنوان شیخ خود نام می‌برند. در واقع، آنان بخشی از روایت را از او و بقیه روایت را از خود برساخته‌اند، ولی همچنان نام او را برای کل روایت خود به نام شیخ حدیث برمی‌گزینند و تحت آن نام حلقه مشترکی پدید می‌آید که با بررسی‌های دقیق جعلی بودن آن قابل شناسایی است.

است، مکان ایستادن این امام در میان مأمومین است که متحد المضمون بر وسط ایستادن او اشاره می‌کنند.

در روایات عام و بدون مصداق «تقوم معهنّ فی الصف»^{۸۵} و «تقوم وسطهنّ»^{۸۶} و در مصداق این جماعات در مورد عایشه «قامت بینهنّ» و «فأمتهنّ بینهنّ وسطاً»^{۸۷} و در نماز ام سلمه عبارت «قامت بیننا»^{۸۸} آمده است.

تفاوت بین روایات

روایات نماز ام‌ورقه بر سه محور اصلی متمرکز است: ۱. جواز امامت نماز زن (امرها و اذن لها)، ۲. جواز امامت زن برای زنان (أن تؤم أهل دارها)، ۳. جواز امامت زن در نماز فریضه (فی الفریضة).

مورد فرعی این روایت، حضور کسی است که برای ام‌ورقه اذان و اقامه می‌گفته و او مرد است. به نظر می‌رسد در روایت ام‌ورقه نیازمندی به مستمسکی که مجوز امامت زن بوده و این تجویز در خصوص امامت برای زنان در نمازهای واجب باشد، مشهود تر است؛ زیرا در مورد زنان پیامبر ﷺ امامت توجیه پذیر است، ولی امامت زنان دیگر نیازمند قاعده‌ای فقهی و روایتی صریح است؛ گرچه به موارد فرعی تری نیز در امامت زنان نیاز بوده است. البته همه راویان روایت ام‌ورقه، بند سوم را ذکر نکرده‌اند، ولی احتمالاً به قرینه بند دوم، نمازهای فریضه نیز مورد نظر ایشان بوده است. آنچه بر استحکام محور اول روایت ام‌ورقه می‌افزاید، اجازه پیامبر ﷺ است و تمامی این روایات ابتدائاً به دیدار پیامبر ﷺ از او و این که رسول خدا ﷺ او را به صفت شهیده مدح فرموده و برخی بر جامع قرآن بودن وی نیز اشاره کرده‌اند و سپس موارد فقهی نماز او را طی همان روایت یا مستقلاً ذکر نموده‌اند.^{۸۹} اما روایات نماز عایشه و ام سلمه مصداق در جایگاه ایستادن امام جماعت است و چون مردان در جلوصف مأمومین می‌ایستند، در نماز زنان محل قرارگیری امام زن در وسط یا محاذی زنان گفته شده است.

۸۵. المصنف (عبدالرزاق)، ج ۳، ص ۱۴۱؛ المصنف (ابن ابی شیبه)، ج ۱، ص ۵۳۶؛ السنن الکبری (بیهقی)، ج ۳، ص ۱۳۱.
۸۶. المصنف (عبدالرزاق)، ج ۲، ص ۱۲۷ و ۱۷۴؛ المصنف (ابن ابی شیبه)، ج ۱، ص ۲۵۲؛ السنن الکبری (بیهقی)، ج ۱، ص ۴۰۸.

۸۷. المصنف (عبدالرزاق)، ج ۳، ص ۱۴۱؛ المصنف (ابن ابی شیبه)، ج ۱، ص ۵۳۶؛ العلیل احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۵۵۲
...

۸۸. همان‌ها؛ سنن الدارقطنی، ج ۱، ص ۳۸۸ و ...

۸۹. رک. بررسی متن روایت ام‌ورقه در این مقاله.

بنابراین قابل نتیجه‌گیری است که روایت آم ورقه بیش از روایات جواز امامت زن، در پی مصداق‌یابی برای آن احکام است. برخی از راویان به جهت تأکید بر روایات پیشین در اجازه امامت زن و امامت در فرایض و مصادیق همچون نماز ماه رمضان، نماز عصر، یا مغرب، نماز عایشه و ام سلمه را بسط داده و این موارد را بر آن افزوده‌اند.^{۹۰}

بیهقی (م ۴۵۸ ق) در این میان، تنها کسی است که روایت او سیر منطقی‌تری دارد. او با اشراف بر منابع پیشینیان خود، ابتدا روایت آم ورقه را ذیل اثبات امامة المرأة در معرفة السنن^{۹۱} آورده و سپس بر نماز ام سلمه و عایشه نیز تأکید کرده است و سپس شواهد این سنت را از شافعی و صفوان بن سلیم ذکر کرده است. آنگاه از دیدگاه خود با تکیه بر قول شافعی چنین نتیجه گرفته است: «امامت زن برای مردان جایز نیست؛ زیرا روایات به زنان اشاره نموده‌اند و سنت آن بوده که ایشان بعد از مردان بایستند، نه قبل از ایشان و در نماز زنان نیز جایز نیست امام زن جلوایشان قرار بگیرد».^{۹۲} سپس وی در کتاب السنن الکبری علاوه بر ذکر مصادیق این سنت از ام سلمه و عایشه مدارکی ارائه می‌کند که وسط ایشان ایستادن در نمازهای واجب را مورد تأیید قرار می‌دهد. او همچنین ذیل حدیث بسیار مفصّلی از تمیمة بنت سلمة در مورد اوقات نماز هم مفصلاً بحث می‌کند.^{۹۳} اما ابن حزم (م ۴۵۶ ق) معاصر بیهقی صریح‌تر به جریان فقهی رایج تا عصر خود اشاره می‌کند. او ابتدا از قول شافعی به رد دیدگاه مخالفان پرداخته است و جواز امامت زن را با دلایل عقلی و نقلی مورد بحث قرار می‌دهد؛^{۹۴} و سپس ذیل مسأله ۴۹۱ تحت عنوان بسیار طولانی « صلاة المرأة بالنساء جائزة ولا يجوز أن تؤم الرجال وهو قول أبي حنيفة والشافعي إلا أن أبا حنيفة كره ذلك وأجازه ذلك وقال الشافعي بل هي السنة ومنع مالك من ذلك»^{۹۵} بحث کاملی کرده و روایات خود را که با مذهب شافعی متناسب است در این خصوص به عنوان شاهد نقل می‌کند.

متن امامت نماز آم ورقه نیز در منابع روایی یکسان نیست. ضحاک اساساً به امامت او اشاره نکرده است و فقط دستور پیامبر ﷺ مبنی بر ساخت نمازخانه برای او را گزارش

۹۰. المصنف (ابن ابی شیبیه)، ج ۱، ص ۵۳۶؛ المصنف (عبدالرزاق)، ج ۳، ص ۱۴۱؛ السنن (دارقطنی)، ج ۱، ص ۳۸۸؛

المحلی، ج ۴، ص ۲۱۹.

۹۱. ج ۲، ص ۴۱۰.

۹۲. معرفة السنن، ج ۲، ص ۵۰۹.

۹۳. السنن الکبری (بیهقی)، ج ۳، ص ۱۳۱.

۹۴. المحلی، ج ۳، ص ۱۲۸.

۹۵. همان، ج ۴، ص ۲۱۹.

می‌کند.^{۹۶} همچنین در انتخاب مؤذن برای وی همه متون تأکیدی ندارند.^{۹۷} در حالی که بقیه متون انتخاب مؤذن مرد را آورده‌اند. در عین حال، برخی متون بر پیر بودن او نیز تأکید کرده‌اند.^{۹۸} در این که این نماز برای اهل خانه بوده، همه متون یکسانند، اما برخی به قید «فی الفرائض» توجه بیشتری کرده‌اند.^{۹۹} بنابراین در متن روایت ام‌ورقه قبض و بسط زیادی وجود دارد و این که او در این روایت به عنوان جامع قرآن معرفی شده، مورد استقبال تفاسیر و عالمان علوم قرآنی نیز قرار گرفته است.^{۱۰۰}

علاوه بر ضعف‌های سندی این روایت، متن روایت داستان پردازانه بوده و با داده‌های تاریخی مطابقت ندارد. در متن اول روایت احمد^{۱۰۱} که در ابتدای مقاله آمد، ام‌ورقه از پیامبر ﷺ درخواست می‌کند که در جنگ بدر حضور یافته و مریمان را مداوا کند. این متن آشکارا با متون تاریخی در تناقض است؛ زیرا برنامه ریزی پیامبر ﷺ در بدر اساساً برای جنگ نبوده است و خروج آنان از مدینه به قصد کاروان ابوسفیان بوده و اتفاق جنگ خارج از ذهنیت همه مسلمانان بود.^{۱۰۲} اما بعدها در جنگ‌های رسمی مانند احد و خندق، زنان نیز در جنگ‌ها جهت مداوا، تدارکات و پشتیبانی^{۱۰۳} حاضر شدند و کسی هم از حضور در این موقعیت‌ها منع نشد؛^{۱۰۴} به علاوه که در قبول یا عدم قبول همراهی او با پیامبر ﷺ نیز همه متون به عدم قبول پیامبر ﷺ تأکیدی نداشته و برخی حتی بر همراهی او با پیامبر ﷺ اشاره دارند.^{۱۰۵}

در ادامه متن، به بحث صلیب کشیده شدن قاتلان ام‌ورقه اشاره شده است؛ در حالی که جز در این روایت در هیچ منبع تاریخی چنین گزارشی نیامده است. علاوه بر این، جز در این حدیث، در هیچ روایت دیگری از چنین صحابه‌ای یاد نشده است. با توجه به نمودارهای شبکه اسناد و متن روایات امامت زن در نماز و مصادیق آن، به نظر

۹۶. الأحاد والمثانی، ج ۶، ص ۱۴۰.

۹۷. معرفة السنن والآثار، ج ۲، ص ۴۱۰؛ المنتظم فی تاریخ الملوک و الأمم، ج ۴، ص ۳۵۱.

۹۸. سنن ابی داود، ج ۱، ص ۱۴۲.

۹۹. صحیح ابن خزیمه، ج ۳، ص ۸۹؛ السنن الکبری (بیهقی)، ج ۱، ص ۴۰۶؛ المستدرک، ج ۱، ص ۲۰۳.

۱۰۰. الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۹۶.

۱۰۱. مسند أحمد، ج ۶، ص ۴۰۵.

۱۰۲. تاریخ الاسلام ووفیات المشاهیر و الأعلام، ج ۲، ص ۵۰.

۱۰۳. مدیریت نظامی در نبردهای پیامبر ﷺ، ۳۲۱-۳۲۳.

۱۰۴. همان.

۱۰۵. تهذیب التهذیب، ج ۱۲، ص ۴۳۰.

می‌رسد این شخصیت و روایت ام‌ورقه برساخته برخی راویان است که آن را برای تبیین برخی مقولات فقهی در باب امامت نماز زنان تدارک دیده و کاربرد آن را در امامت نماز جماعت زنان قطعی کرده‌اند. به نظر می‌رسد با توجه به دلایل طرح شده، تاریخ احتمالی پیدایش این روایت اواسط یا ربع سوم قرن دوم هجری باشد.

نتیجه‌گیری

۱. روایت ام‌ورقه روایتی دارای دو متن جدا بوده که در آن داستان پردازی شده است.
۲. تمام متن روایت ام‌ورقه را جامعان روایات تأیید کرده‌اند.
۳. روایت ام‌ورقه، در متن و سند، دارای تشمت واضطراب است.
۴. متن روایت ام‌ورقه با متون تاریخی ناسازگار است.
۵. حلقه مشترک روایت ام‌ورقه، ولید بن جمیع است و قرار گرفتن ام‌ورقه در جایگاه حلقه مشترک، برساخته است.
۶. ولید بن جمیع در برخی کتب رجالی مورد جرح قرار گرفته و راویان قبل از وی نیز ناشناخته‌اند.
۷. روایت ام‌ورقه تعیین مصداق روایات امامت زنان بعد از روایت امامت عایشه و ام‌سلمه است.
۸. تمامی کتب فقهی از شافعی (م ۲۰۴ق) به بعد در جواز امامت زنان، به روایت ام‌ورقه استناد کرده‌اند.
۹. ام‌ورقه شخصیت خیالی بوده و برساخته ذهن ولید بن عبدالله بن جمیع است.
۱۰. روایت ام‌ورقه در اواسط یا ربع سوم قرن دوم ظهور یافته است.

کتابنامه

- الآحاد والمثانی، عمرو بن ابی عاصم الضحاک بن مخلد الشیبانی، دارالدرایة، ۱۴۱۱ق.
- الاتقان فی علوم القرآن، جلال الدین عبدالرحمن السیوطی، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۶ق.
- احادیث فدک فی مصادر الفریقین، محمد حیاة الانصاری، بی‌جا، بی‌تا.
- الاحکام فی الحلال والحرام، یحیی ابن الحسین، بی‌جا، ۱۴۱۰ق.
- ارواء الغلیل، محمد ناصر الالبانی، بیروت: المكتبة الاسلامی، ۱۴۰۵ق.
- الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، یوسف بن عبدالبر، بیروت: دارالجبیل، ۱۴۲۲ق.

- أسد الغابة فى معرفة الصحابة، على بن محمد بن عبدالكريم بن الاثير، تهران: انتشارات اسماعيليان، بى تا.
- الاصابة فى تمييز الصحابة، احمد بن على بن حجر العسقلانى، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤١٥ق.
- بدائع الصنائع فى ترتيب الشرايع، ابى بكر بن مسعود الكاشانى، باكستان: المكتبة الحبيبية، ١٤٠٩ق.
- تاريخ الاسلام ووفيات المشاهير والأعلام، محمد بن احمد بن عثمان الذهبى، بيروت: دارالكتاب العربى، ١٤٠٩ق.
- التاريخ الصغير، محمد بن اسماعيل البخارى، بيروت: دارالمعرفة، ١٤٠٦ق.
- التاريخ الكبير، محمد بن اسماعيل البخارى، دياربكر: المكتبة الاسلامية، بى تا.
- تاريخ كندارى حديث روشها ونمونهها، ايگناس گلدزيهر، شاخت، فان اس، موتسكى و ديگران، به كوشش وويرايش سيد على آقاى، تهران: انتشارات حكمت، ١٣٩٤ش.
- تذكرة الفقهاء، الحسن بن يوسف بن المطهر الحلى، (قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لاحياء التراث، ١٤١٤ق.
- تقريب التهذيب، ابن حجر العسقلانى، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤١٥ق.
- تلخيص الحبر، ابن حجر العسقلانى، بيروت: دارالفكر، بى تا.
- تكملة البحار الرائق، محمد بن حسين طوى القادري الحنفى، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤١٨ق.
- تهذيب التهذيب، شهاب الدين احمد بن على بن حجر العسقلانى، بيروت: دارالفكر، ١٤٠٤ق.
- تهذيب الكمال فى اسماء الرجال، يوسف المزي، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤٠٦ق.
- الثقات، محمد بن حبان بن احمد بن حبان، حيدرآباد الدكن الهنّد: مؤسسة الكتب الثقافية، ١٣٩٢ق.
- الثمر الدانى فى تقريب المعانى، صالح عبد السميع الألبى الأزهرى، بيروت: المكتبة الثقافية، بى تا.
- الجامع لاحكام القرآن (تفسير القرطبى)، محمد بن احمد القرطبى، بيروت: داراحياء التراث العربى، ١٤٠٥ق.
- الجرح والتعديل، عبد الرحمن بن ابى الحاتم الرازى، بيروت: داراحياء التراث العربى،

- بي تا.
- جواهر الكلام، الشيخ الجواهري، تهران: دارالكتب العلمية، ١٣٦٧ ش.
- حديث اسلامي خاستگاهها وسيرتطور، هارالد موتسكي، به كوشش وويرايش مرتضى كريمي نيا، قم: دارالحدیث، ١٣٨٩ ش.
- خلاصة التهذيب تهذيب الكمال في اسماء الرجال، احمد بن عبدالله الخزرجي، حلب: دار البشائر الاسلامية، ١٤١١ ق.
- درآمدی بر مطالعات حدیثی در دوران معاصر، مجید معارف و سعید شفیعی، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت، ١٣٩٤ ش.
- ذكرى الشيعه في احكام الشريعة، الشهيد الثاني، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لاحياء التراث، ١٤١٩ ق.
- روض الجنان في شرح ارشاد الازهان، (ط.ق) الشهيد الثاني، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لاحياء التراث، بي تا.
- سنن ابي داود، سليمان بن اشعث ابي داود، بيروت: دارالفكر، بي تا.
- سنن الدارقطني، احمد بن عمر بن احمد بن مهدي الدارقطني، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤١٧ ق.
- السنن الكبرى، احمد بن الحسين البيهقي، بيروت: دارالفكر، بي تا.
- شرح الأزهار، أحمد المرتضى، صنعاء: مكتبة غمضان، بي تا.
- شرح العروة الوثقى، الصلاة، موسوعة الامام الخوئي، خوئي، قم: مؤسسة الامام الخوئي، ١٤٢٦ ق.
- الشرح الكبير، عبدالرحمن بن قدامة، بيروت دارالكتاب العربي، بي تا.
- صحيح ابن خزيمة، محمد بن اسحاق بن خزيمة، الطبعة الثانية، المكتب الاسلامي، ١٤١٢ ق.
- الطبقات القراء، ابي عمرو خليفه بن خياط العصفري (الشباب)، بيروت: دارالفكر، ١٤١٤ ق.
- الطبقات الكبرى، محمد بن سعد، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤١٨ ق.
- العلل ومعرفة الرجال، احمد بن حنبل، الرياض: دارالخاني، ١٤٠٨ ق.
- عون المعبود شرح سنن ابي داود، محمد شمس الحق العظيم آبادي، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤١٥ ق.
- فتاوى اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والافتاء، احمد بن عبدالرزاق الدويش، بي جا، بي تا.

- فقه السنة، السيد السابق، بيروت: دارالكتاب العربي، بی تا.
- قاموس الرجال، محمد تقی تستری، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۹ق.
- القطف الدانية فی المسائل الثمانية، عبدالمحسن السراوی، دارالمودة، ۱۹۹۷م.
- الكاشف فی معرفة من له رواية فی كتب الستة، محمد بن احمد بن عثمان الذهبي، جدة: دارالقبلة، ۱۴۱۳ق.
- كتاب الأم، محمد بن ادريس الشافعی، بيروت: دارالفکر، ۱۴۰۳ق.
- كشاف القناع، منصور بن یونس البهوتی، بيروت: دارالكتب العلمية ۱۴۱۸ق.
- كنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، علاء الدين بن حسام الدين المتقی الهندی، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ق.
- المجروحین من المحدثین والضعفاء والمتروكين، محمد بن حبان، مكه المكرمة: دارالباز، بی تا.
- مجمع الفائدة، محقق اردبیلی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين، ۱۳۶۲ش.
- المحلی، علی بن احمد بن سعید ابن حزم، بيروت: دارالفکر، بی تا.
- المدونة الكبرى، عبدالرحمن بن القاسم مالک ابن انس، بيروت: داراحياء التراث، بی تا.
- مدیریت نظامی در نبردهای پیامبر ﷺ، محمد ضاهر وتر ترجمه اصغر قائدان، تهران: صبریر، ۱۳۷۴ش.
- المستدرک، ابو عبدالله حاکم نیشابوری، بيروت: دارالمعرفة، بی تا.
- مستدرکات علم رجال الحديث، علی نمازی شاهرودی، اصفهان: ابن المؤلف علی نفقة حسینیة عماد زاده.
- مسند الامام زید، زید بن علی بن الحسين. بيروت: دارمکتبة الحياة، بی تا.
- مسند أحمد، احمد بن حنبل، بيروت: دارالصادر، بی تا.
- مسند ابن راهویه، اسحق بن ابراهیم بن راهویه، المدينة المنورة: مکتب الايمان، ۱۴۱۲ق.
- المصنّف، ابوبکر عبدالرزاق الصنعانی، بی جا، بی تا.
- المصنّف، عبدالله بن محمد بن ابی شعبة. المصنّف. تحقیق: سعید اللحام، بيروت: دارالفکر، (۱۴۰۹ق).
- المعجم الكبير، ابوالقاسم سليمان بن احمد الطبرانی، بيروت: داراحياء التراث العربي، بی تا.

- معرفة السنن والآثار، احمد بن الحسين البيهقي، بيروت: دارالكتب العلمية، بي تا.
- المنتظم في التاريخ الملوك والأمم، ابوالفرج عبد الرحمن بن علي بن الجوزي، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٠٢ق.
- المنتقى من السنن المسندة عن رسول الله ﷺ، ابومحمد عبدالله ابوالجارود، بيروت: دارالجنان، ١٤٠٨ق.
- منهاج الصالحين، سيستاني، قم: مكتب آية الله العظمى السيستاني، ١٤١٤ق.
- موسوعة شهادة المعصومين، لجنة الحديث في مهد باقرالعلوم قم: نورالسجاد، ١٣٨٠ش.
- المهذب، قاضي ابن البراج، قم: مؤسسة النشر الاسلامي التابعة لجماعة المدرسين، ١٤٠٦ق.
- النهاية في مجرد الفقه والفتاوى، محمد بن الحسن الطوسي، قم: انتشارات قدس محمدي،
- النهاية ونكتها، محقق حلي، قم: مؤسسة النشر الاسلامي التابعة لجماعة المدرسين، ١٤١٢ق.